



سوره مبارکه ابراهیم (ع)

جلسه چهارم: ۹۳/۴/۳

- داستان حضرت ابراهیم (ع) نمونه خوبی از شجره طبیه است که در آیات ۲۴ الی ۲۷ سوره مبارکه ابراهیم (ع) آمده است.
- از اصل ثابتی که خود حضرت ابراهیم (ع) است و حرکت حضرت شاخه‌ها و فروع فراوانی می‌دهد و هر لحظه انسان‌های متعددی میوه و ثمرات زیادی از خرمن توحید می‌چینند.

ادامه آیات:

- حضرت علامه آیات ۴۲ تا ۵۲ را دسته پنجم در نظر گرفته‌اند:

دسته پنجم آیات ۴۲ تا ۵۲

وَ لَا تَحْسِبُنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤْخِرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (۴۲)
مُهْطِعِينَ مُقْبِنِي رُؤْسِهِمْ لَا يَرَنُّهُمْ طَفْقَمْ وَ أَفْنَدُهُمْ هَوَاءٌ (۴۳)
وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابَ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبِّنَا أَخْرَنَا إِلَى أَجْلٍ قَرِيبٍ نُحِبُّ دَعْوَتَكَ وَ شَيْعَ الرُّسُلَ أَ وَ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمُّمُ مِنْ قَبْلٍ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ (۴۴)
وَ سَكَّتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَ تَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلَنَا بِهِمْ وَ ضَرَبَنَا لَكُمُ الْأَثْنَالَ (۴۵)
وَ قَدْ مَكَرُوا مَكْرُهُمْ وَ عِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَ إِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَرْوَلَ مِنْهُ الْجِبَالُ (۴۶)
فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَ عَدِيهِ رُسُلَةٌ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو اِنْتِقَامٍ (۴۷)
يَوْمَ تُبَدِّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ وَ بَرَزَوَا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۴۸)
وَ تَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُفَرِّغِينَ فِي الْأَصْنَافِ (۴۹)
سَرَابِيلَهُمْ مِنْ قَطِيرَانٍ وَ تَقْشِي وَ بُخُوهُمْ النَّارَ (۵۰)
لِيَعْجِزَ الَّلَّهُ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵۱)
هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَتَذَرَّوْا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ لِيَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (۵۲)

- آیه ۴: قوانین عالم شوختی بردار نیست و اگر کسی بر خلاف قاعدة شجره طبیه و یا ثبات و یا ایمان در عالم عمل کند و ظلم نماید، پندارد که کسی در عالم نفهمیده است. فرصت دادن به آدم‌ها تقدیر عالم است و انسان‌ها نباید فریب این فرصت را بخورند.
- کیفر ستمکاران به تأخیر افتاده است تا روزی که بناست حقیقت آشکار شود و بفهمند که غفلت وجود نداشته است. این تأخیر و عقب افتادن کیفر آنان بی‌حساب و کتاب نیست و بر اساس تقدیر و برنامه است.
- آیه ۴۳: سوره ابراهیم، سوره انسان‌های با دل و جگر و آدم‌هایی است که دلشان خالی است. با دل و جگرش مانند حضرت ابراهیم (ع) است که همسر و فرزندش را در بیت غیر ذی زرعی می‌گذارد و می‌رود. افرادی هم که دلشان خالی است و هیچ در آن نیست در دنیا هم همین‌گونه بوده‌اند. این بیان مبنایی و پایه‌ای مسئله‌ای است که در سوره‌هایی مانند سوره مبارکه توبه و احزاب مشاهده می‌کنیم که در باب منافقین و کفار آمده است.
- هر قسمت از زندگی که انسان با هوای نفس زندگی کند آن قسمت هیچی نیست و خالی است.
- آیه ۴۴: اجلی را که آدم گناهکار در قیامت می‌خواهد تا کارهایش را درست کند در این دنیا و هم اکنون به او داده‌اند.
- آیه ۴۵: احتیاج به قصه‌گویی نیست زیرا هم اکنون ما جایی زندگی می‌کنیم که همه آدم‌هایی که اکنون زندگی می‌کنند نبودند و آدم‌های بسیار دیگری بوده‌اند.

- آیه ۴۶: این آیه می‌گوید: نظام خدا کاملاً جامع است و کفر نظامی جداگانه نیست بلکه آن هم نظامی است درون نظام جامع خدا.
- آیه ۴۷: باور داشته باشیم که خدا خلف وعده نمی‌کند. بنابراین اگر وعده داده است که مؤمنین را یاری می‌کند و اگر وعده داده است دین توحید همه عالم را خواهد گرفت و ...، حتماً به وعده‌هایش عمل خواهد کرد شما به وعده خدا اعتماد داشته باشید.
- آیه ۴۸: خدا در مورد روزی صحبت می‌کند که زمینش زمین دیگری است و آسمانش آسمان دیگری. بنابراین از همین الان با آن آسمان و زمین زندگی کنید.
- آیه ۴۹: این آیه ملکوت مطرح می‌کند آنچه را که در آیات قبل بیان کرده است. شجره خبیثه، نتیجه و ملکوت‌ش این است که انسان در خودش گره می‌خورد.
- آیه ۵۰: سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِيرَانِ: وجود انسان را اندود و پوشانده می‌کنند. انسان‌ها با اعتقاد اشان انگار خود را قیر اندود می‌کنند.
- هر کس ثمرة همان چیز را می‌بیند که کرده است. انسان‌ها خودشان به گونه‌ای اعتقادات برای خود می‌چینند که در آنها گیر می‌افتد.
- اگر هر کس مسیرهایی را که خدا گفته است برود حتماً گره‌هایش باز می‌شود.

زنگ دوم:

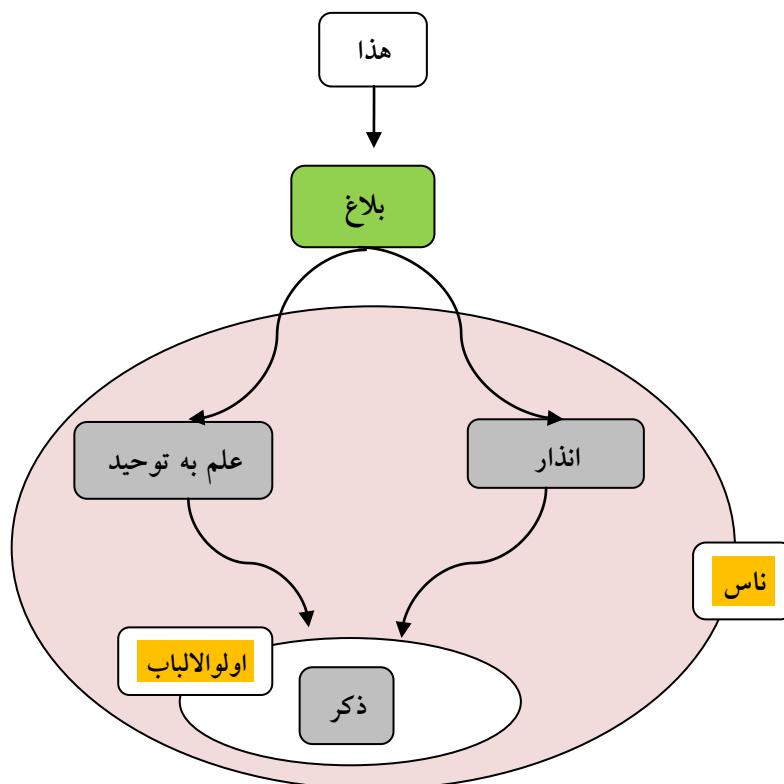
- آیه ۵۲: حضرت علامه طباطبائی درباره این آیه فرموده‌اند:

کلمه «بلاغ»- به طوری که راغب گفته- به معنای تبلیغ و یا به قول بعضی دیگر به معنای کفایت است و این آیه خاتمه سوره ابراهیم (ع) است و مناسب‌تر آن است که کلمه "هذا" را اشاره به مطالب سوره بگیریم نه به مجموع قرآن- چنان که بعضی پنداشته‌اند- و نه به آیه "وَ لَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ" و آیات بعد از آن تا آخر سوره- چنان که بعضی دیگر پنداشته‌اند.

حرف لام در جمله "لَيَذَرُوا بِهِ ..." لام غایت و عطف است بر لام دیگری که در تقدیر است و به خاطر فحامت و عظمت امر حذف شده، چون آن قدر عظیم‌الشان است که فهم مردم به آن احاطه نمی‌یابد و آنقدر مشتمل بر اسرار الهی است که مردم طاقت درک آن را ندارند و عقول بشر تنها می‌توانند نتایج آن اسرار را درک کند و آن همین اندزاری است که گوشزدشان می‌شود و خلاصه کلام اینکه عظمت آن اسرار به حدی است که ممکن نیست آن را در قالب الفاظ که تنها راه تفہیم حقایق است گنجانید.

آنچه ممکن است این است که بشر را از آنها ترسانیده، به وحدانیت خدا آگاه ساخت و مؤمنین را متذکر نمود و همین هم بس است، زیرا منظور، اتمام حجت به وسیله آیات توحید است. آن که به خدا ایمان ندارد با شنیدن آن آیات حجت برایش تمام می‌شود و آن که ایمان دارد از همین آیات توحید به معارف الهی آشنا می‌شود و نیز مؤمنین متذکر می‌شوند. و با در نظر گرفتن این بیان، آیات آخر سوره با آیات اول آن مرتبط و متطابق می‌شوند. در اول سوره فرمود: "كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُحْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ يَأْذُنُ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْأَعْزَيزِ الْحَمِيدِ"- کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از ظلمت‌ها به سوی نور، به سوی راه خدای عزیز و حمید بیرون آری" و ما در ذیل آن گفتیم که مدلول آن مأمور شدن رسول خدا (ص) به دعوت و تبلیغ به سوی راه خداست به عنوان اینکه خدا پروردگار عزیز و حمید ایشان است و بدین‌وسیله مردم را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد. حال اگر پذیرفتند و ایمان -

آوردن، از ظلمت‌های کفر به سوی ایمان بیرون شده‌اند و اگر نپذیرفتند انذارشان کند و بر توحید حق تعالیٰ واقفسان سازد و جهله‌شان را مبدل به علم نماید که این خود نیز نوعی بیرون کردن از ظلمت به نور است، ولو اینکه به ضرر آنها تمام می‌شود (چون انکار دعوت یک پیغمبر از روی جهل با انکار از روی علم و عمد یکسان نیست) ولی در هر دو حال دعوت پیغمبر انذار مردم است. چیزی که هست نسبت به عموم انذار و اعلام وحدائیت خداست و بس، ولی نسبت به خصوص مؤمنین تذکر هم هست.



- توجه: در واقع شجره‌ای است به نام «بلاغ» که این شجره در هر آسمانی میوه متناسب با آن آسمان را می‌دهد. در آسمان «ناس» میوه‌اش انذار و علم است ولی در آسمان «اوlowالالباب» میوه مربوط به آسمان ناس را دارد علاوه بر آن ثمرة «ذکر» نیز دارد.
- به عامل رسیدن به بلوغ، «بلاغ» گویند. عاملی که می‌تواند در مخاطب خودش بلوغ ایجاد کند.
- بنابراین همه مطالب قبلی زمینه به بلوغ رسیدن است.
- اگر با حقایق این سوره به صورت «انسانی» برخورد کنیم حداقل برایمان «انذار» و «علم به توحید» دارد و اگر با آن «اوlowالالباب» برخورد کنیم برایمان «ذکر» خواهد بود.
- در سوره مبارکه رعد تعریف اوlowالالباب آمده بود. برای اوlowالالباب حتی عدم تساوی‌ها هم ذکر ایجاد می‌کند. آنها وفای به عهد دارند و پیمان‌شکنی نمی‌کنند و کسانی هستند که دستورات خدا را حتماً انجام می‌دهند و خشیت از پروردگار دارند و به شدت در خوف از سوء در حساب و نتیجه در اعمال هستند. کسانی که پایداری می‌کنند برای اینکه وجه ربانش را ابتغاء کنند. آنها اقامه صلات دارند. از آنچه خدا به آنها داده است چه پنهان و چه آشکار اتفاق می‌کنند. آنها کسانی‌اند هستند که اگر کسی به آنها سیئه کند آنها با حسنہ پاسخ می‌دهند. عاقبت واقعی از آن آنهاست. حسنہ، اتفاق و ... در آنها چنان وسعت دارد که وقتی به بهشت می‌روند، پدران و

همسران و فرزندان خودشان را نیز به بهشت می‌برند. آنها دست به هر کاری می‌زنند آن کار ملکوتی می‌شود. بر آنها سلام است که پایان بسیار خوشی است.

- این سوره آمده تا انسان‌ها را از ظلمات به سمت نور ببرد و آنها را به صراط عزیز حمید هدایت کند.

- این سوره را به سه نوع می‌توان خواند:

۱- تک‌تک آیات سوره مبارکه ابراهیم (ع) بلالغ است. چگونه می‌توان به بلوغ رسید؟

۲- تک‌تک آیات سوره مبارکه ابراهیم (ع) ما را انذار می‌دهد.

۳- در خلال این آیات می‌توان «وحدانیت خدا» را شناخت.

۴- می‌توان آیات این سوره را به سیاق «ذکر» خواند.

- به سیاق «ذکر» خواندن یعنی:

* آیات برای او فقط دانسته نیست بلکه تا عمق وجود این آدم نفوذ می‌کند.

- «ذکر» یعنی مفاهیمی که در سوره آمده است در درون او انعکاس درونی پیدا کند. یعنی در وی اتفاق هم رقم می‌خورد و بر ایشان روشن شدن دل است ماتنده همان چیزی که برای ما بعد از ارتکاب گناه شکل می‌گیرد.

- «ذکر» یعنی مفاهیمی که بین دو نفر انتقال می‌یابد، درونی شود. هر کس در هر مرحله است ابتلایش برای خودش سخت است. ذکر دفعتاً روشن می‌کند و دل آدم را قرار می‌دهد.

- حس انججار از گناه حتی اگر دوباره تکرار شود مقدس است خطأ آنجاست که آن حس را نمی‌گیریم. این از الطاف خداست که دائمًا ذکر را در وجود ما روشن می‌کند.

- این سوره می‌گوید با «اولالالباب» می‌توان ذکر را در خود ایجاد کرد یعنی صفات آنها را فهرست کنید و سعی کنید دائمًا انجام دهید تا ذکر در شما تثبیت شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْهَدْهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ